اجمالی از سابقه مباحث

مباحثه روز سه‌شنبه از اول سال تا الآن دو ای سه جلسه شد. ظاهراً دو سه‌شنبه مباحثه کردیم. سومی آن یادم نیست. به‌خاطر مباحثه فقه گفتیم که زودتر تمام شود. نشد که من ببینم که در آن جا چه عرض کردم. ولی مطالبی که به گمانم در این بحث لازم است را عرض می‌کنم. به‌خصوص که در فاصله‌ای که آن دو جلسه را خدمتتان بودیم یکی-دو جلسه مناظره هم برقرار شده. در آن‌ها هم مطالب خوبی گفته شده. کسانی که یک عمر در این مطالب تخصص داشتند، چه مخالف و چه موافق باشند، متخصص حرف برای گفتن دارد. یعنی یک عمر تحقیق کرده و آخر کار نظرش بر راه الف یا راه باء مستقر می‌شود. لذا این یکی-دو تا مناظره‌ای که پیش آمده بحث‌های خوبی است. همچنین کتاب‌هایی که جدیدا به بازار می‌آید. جدیدا آقا چند کتاب به من دادند که در میان آن‌ها کتابی برای آقای کویتی به نام شادی حکمت ناصر بود. کتاب نقل قرائات قرآن. به فارسی هم ترجمه شده است. مدعی است که هم مطالب جدید و هم روش جدیدی را آورده است. مثلاً یکی از چیزهایی که روی آن ساز داده، مقابل حرف ابن جزری است که ما خدمت شما مباحثه کردیم.

در مقدمه النشر ابن جزری[1] می‌گفت: اختلاف قرائات با اختلاف فتاوی دو باب است. فقها که اختلاف می‌کنند، واقع، یکی از آن‌ها است. اما وقتی قراء اختلاف می‌کنند، همه آن‌ها درست است. ابن جزری روی این تأکید کرد. این آقای شادی حکمت عباراتی را از ابن مجاهد می‌آورد و می‌گوید مسبّع السبع ابن مجاهد است. کتاب السبعه هم برای او است. وقتی شروع می کند، اختلاف قرائت را نسبت می‌دهد می‌گوید «کاختلاف الآثار فی الاحکام[2]». پس معلوم می‌شود که زدن خود ابن مجاهد اساس بر چه بود؟ اختلاف قرائت هم مانند آن است. این را شروع کرده و یک کتاب نوشته شده. مطالب خوبی دارد.

شاگرد: اسم کتاب چه بود؟

استاد: نقل قرائات قرآن. تازه چاپ شده، برای من آوردند و من آن را دیدم. شاید دو ثلث آن را مرور کردم.

شاگرد: مقاله بررسی کوتاه از ستیزه‌های کوتاه درباره عدم نقصان و زیادت قرآن را هم خدمت شما آوردیم. این را هم ببینید. منابع خیلی متعددی را هم آورده است.

شاگرد۲: نظر خودش چیست؟

شاگرد: می‌خواهد به نوعی از شیعه دفاع کند که شیعه قائل به تحریف نیست. ولی در فضای تک قرائتی و این است که اصلاً تحریف یک چیز واضحی است و همه قائل به تحریف اند. دیدگاه خیلی آشفته‌ای دارد.

استاد: شادی حکمت هم می‌گوید اصلاً حدیث سبعة احرف اول نبوده و بعداً در آمده. یک تحقیقاتی است که شبیه آن را قبلاً عرض می‌کردم. گاهی یک روش‌هایی دم می‌شود که به این صورت است.

اگر یادتان باشد قبلاً بخش حسابی از فصل الخطاب مرحوم محدث نوری را به صورت متفرق مرور کردیم. امروز که آن‌ها را نگاه می‌کردم تا یادم بیاید، خیلی حالات دردک و لا یوصف به من دست داد. چیزی که در این جلسه می‌خواهم عرض کنم، مروری بر همان حرف‌ها و مقدمه‌های برای آینده باشد.

حدود پنج-شش سال پیش که در ذیل آیه شریفه «ما يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَ ما أَنَا بِظَلاَّمٍ لِلْعَبيدِ[3]» بودیم که بحث علوم قرآنی و تحریف پیش آمد. جلو آمدیم تا به مسأله اختلاف قرائات ای تعدد قرائات رسیدیم. بحث مدام جلو رفت. از زمانی‌که مباحثه طلبگی بین خودمان داشتیم؛ خدا رحمت کند آقای تهرانی را که با ایشان بحث مجمع البیان داشتیم و چندین مباحثه مجمع البیان با رفقای مختلف داشتیم. با مجمع مانوس بودیم. کتاب مجمع به این صورت است که کسی در رفت‌وبرگشت با آن مانوس باشد، مرحوم طبرسی او را با قرائات انس می‌دهند. همین که شروع

می‌کنند قرائات را می‌گویند و ادله آن را می‌گویند و بحث می‌کنند. کسی که بخواهد مجمع را بخواند با اینها انس می‌گیرد.
بعد به‌صورت ناخودآگاه و قبل از اینکه این بحث‌ها مطرح شود، در ذهن قاصر من به این صورت بود که برخورد من با مباحث قرائات به‌صورت ناخودآگاه، برخورد مثبت و دلنشینی بود. نه یک برخورد ناجوری که بگویی وای! اصلاً به این صورت نبود. وقتی این مباحث شروع شد، تجربیاتی که در ذهن من طلبه صاف شده بود، این بود که اساساً بحث از قرآن کریم، از تحریف کتاب و از قرائات و هر چه که در مورد زوایای علوم قرآنی است که خیلی هم بحث‌هایش سنگین است، بحث تحدی، وجه تحدی و... این مباحث ابتر است و سر نمی‌رسد مگر اینکه قبل از شروع به این بحث‌ها بحث کنیم و ببینیم که در لسان ثقلین و خود قرآن کریم، قرآن چیست؟ ما باید اول بدانیم که قرآن چیست؟ بعد که به‌خوبی اینها را بررسی کردیم سراغ مصاحف و قرائات و ... برویم. تا آن نشود، این نمی‌شود. اگر فایل‌هایی که برای پنج-شش سال است را مرور کنید، می‌بینید هر جلسه‌ای ده بار این را تأکید می‌کردم. نمی‌شود! این یک خیالی است. آخر کار هم سرگردان می‌شود. پس باید یک همتی کند که به‌فهمد که قرآن کریم خودش می‌گوید که من چه هستم. اهل البیت علیهم‌السلام که ثقلین هستند می‌گویند این قرآن چیست. اگر این روایات ابتدا بررسی شود که قرآن چیست، بحث‌های بعدی خیلی راحت‌تر جلو می‌رود. اگر نشود خب یک بحث‌هایی می‌شود که آخر کار هم مرعی است.

---

[1]النشر في القراءات العشر إلا ج1ص52؛ وَبِهَذَا افْتَرَقَ اخْتِلَافُ الْقُرَّاءِ مِنَ اخْتِلَافِ الْفُقَهَاءِ، فَإِنَّ اخْتِلَافَ الْقُرَّاءِ كُلٌّ حَقٌّ وَصَوَابٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَهُوَ كَلَامُهُ لَا شَكَّ فِيهِ وَاخْتِلَافُ الْفُقَهَاءِ اخْتِلَافُ الْحَقِّ فِي نَفْسِ الْأَمْرِ فِيهِ وَاحِدٌ، فَكُلٌّ مَذْهَبٍ بِالنِّسْبَةِ إِلَى الْآخَرِ صَوَابٌ يَحْتَمِلُ الْخَطَأَ، وَكُلُّ اجْتِهَادٍ يُوَالْحَقُّ فِي نَفْسِ الْأَمْرِ فِيهِ وَاحِدٌ، وَنَحْنُ مُؤْمِنُونَ بِهِ، وَنَعْتَقِدُ أَنَّ مَعْنَى قِرَاءَةِ بِالنِّسْبَةِ إِلَى الْأُخْرَى حَقٌّ وَصَوَابٌ فِي نَفْسِ الْأَمْرِ نَقْطَعُ بِذَلِكَ وَنَعْتَقِدُ أَنَّ مَنْ أَضَافَ إِلَيْهِ مِنَ الصَّحَابَةِ وَغَيْرِهِمْ، إِنَّمَا هُوَ مِنْ حَيْثُ إِنَّ كُلَّ حَرْفٍ مِنْ حُرُوفِ الِاخْتِلَافِ إِلَى مَنْ أُضِيفَ إِلَيْهِ مِنَ الصَّحَابَةِ وَغَيْرِهِمْ، إِنَّمَا هُوَ مِنْ حَيْثُ إِنَّ كُلَّ إِضَافَةٍ مِنْ ذَلِكَ. وَكَذَلِكَ إِضَافَةُ الْحُرُوفِ كَانَ أَضْبَطَ لَهُ وَأَكْثَرَ قِرَاءَةً وَإِقْرَاءً بِهِ، وَمَهْمَا لَمْ يَعْرِفْ ذَلِكَ الْقَارِئُ وَكَذَلِكَ الْإِمَامُ اخْتَارَ الْقِرَاءَةَ بِذَلِكَ الْوَجْهِ وَالْقِرَاءَاتِ إِلَى أَئِمَّةِ الْقِرَاءَةِ وَرُوَاتِهِمُ الْمُرَادُ بِهَا أَنَّ ذَلِكَ الْقَارِئَ وَذَلِكَ الْإِمَامَ اخْتَارَ الْقِرَاءَةَ بِذَلِكَ الْوَجْهِ مِنَ اللُّغَةِ حَسْبَمَا قَرَأَ بِهِ، وَأَخَذَ فِيهِ، وَقَصَدَ فِيهِ، وَمَا زَالَ عَلَى ذَلِكَ حَتَّى اشْتَهَرَ وَعُرِفَ بِهِ، وَدَامَ عَلَيْهِ حَتَّى مَاتَ وَلَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى عَلَيْهِ، وَهَذِهِ الْإِضَافَةُ اخْتِيَارٌ وَلَا إِضَافَةَ إِلَى الْقُرْآنِ، وَلَا إِلَى الْإِمَامِ وَلَا وَدَاعِيَ إِلَى ذَلِكَ أَصْلًا بَلْ هُوَ الْقُرْآنُ الَّذِي نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَهُوَ الَّذِي تَلَقَّاهُ الصَّحَابَةُ عَنْهُ؛ فَلِذَلِكَ أُضِيفَ إِلَيْهِ دُونَ غَيْرِهِ مِنَ الْقُرَّاءِ، وَهَذِهِ الْإِضَافَةُ إِضَافَةُ اخْتِيَارٍ وَدَوَامٍ وَلُزُومٍ لَا إِضَافَةَ اخْتِرَاعٍ وَلَا اجْتِهَادٍ

[2]السبعة في القراءات (ص: 45) ؛ اختلف الناس في القراءة كما اختلفوا في الأحكام وروي في الآثار بالاختلاف عن الصحابة والتابعين توسعة ورحمة للمسلمين وبعض ذلك قريب من بعض وحملة القرآن متفاضلون في حمله ولنقلة الحروف منازل في نقل حروفه وأنا ذاكر منازلهم ودال على الأئمة منهم ومخبر عن القراءة التي عليها الناس بالحجاز والعراق والشام وشارح مذاهب أهل القراءة ومبين اختلافهم واتفاقهم إن شاء الله وإياه أسأل التوفيق بمنه. فمن حملة القرآن المعرب العالم بوجوه الإعراب والقراءات العارف باللغات ومعاني الكلمات البصير بعيب القراءات المنتقد للآثار ذلك الإمام الذي يفزع إليه حفاظ القرآن في كل مصر من أمصار المسلمين

[3]ق ٢٩

بازبینی #2
ایجاد شده 16 مارس 2024 16:09:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 16:10:39 توسط ... .